**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر الواحد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه شصت و نهم\_18 اسفند 1397**

کلام در دلیل عقلی بود بر حجیت اخبار آحاد، به این بیان که ما علم اجمالی داریم که در کتب معتبرۀ ما اکثریت روایات، از امام علیه السلام صادر شده است، پس باید به همه این روایات عمل کرد، مگر معارضی باشد، یا دلیل معتبری اقامه شود که یک روایت قابل عمل نیست، و الا پایه اولیه حجیت ما فی الکتب المعتبرة است به دلیل علم اجمالی.

شیخ اعظم خودش این مطلب را مطرح فرموده است و خودش هم سه اشکال کرده است، کلام به اشکال اول بود که به تقریر دیگر این اشکال این است که آن چه شما به نام علم اجمالی در کتب معتبره نامیدید، یک علم اجمالی کوچک است در حالی که ما یک علم اجمالی بزرگ هم داریم و آن این که چه در کتب معتبرة شیعه چه در کتب غیر متعبره شیعه، چه در کتب اهل سنت و حتی چه در بین امارات غیر معتبرة در بین اجماعات، شهرت ها، ما دلیل معتبر داریم، این نیست که همه این ها دروغ باشد. هرگز نمی­توان گفت تمام اجماعات باطل است، تمام شهرت­ها باطل است، تمام کتب اهل سنت در روات باطل است، نه بالاخره این ها مشتمل بر معتبر هم هست، حال اشکال این است که اگر دلیل شما بر حجیت اخبار آحاد در کتب معتبرة علم اجمالی است، اینجا هم ما یک علم اجمالی داریم، این همه حرف شیخ که از نظر نائینی بزرگوار هم مورد تایید قرار گرفت.

بنیان کلام شیخ این است که دو علم اجمالی است اگر علم اجمالی دوم را قبول کردید باید همه این ها را حجت قرار بدهید و حال این که شما چنین کاری را انجام نمی دهید. این بیان شیخ

پس شیخ و نائینی دو علم اجمالی را زنده نگه داشته اند.

در برابر مرحوم آقای آخوند و مرحوم آقای خویی می فرماید دو علم اجمالی داریم ولی علم اجمالی کبیر ما منحل شده است به علم اجمالی صغیر در دایره کتب معتبره.

وجه انحلال چیست و اساسا کجا یک علم اجمالی به یک علم اجمالی صغیر منحل می شود؟ همگان معتقدند که اگر تعداد معلوم بالاجمال در علم اجمالی کبیر به اندازه تعداد معلوم بالاجمال در علم اجملی صغیر بود، انحلال صورت می گیرد، مثال هم زدم به ان گله گوسفند که بیان شد.

اختلاف این چهار نفر در چیست؟ در این است که آیا در دو علم اجمالی در ما نحن فیه، معلوم بالاجمال ها یکی هستند تعداداً یا نه؟

تمام حرف مثل مرحوم آقای آخوند و خویی این است که اگر شما آمدید اخبار موجودة در کتب معتمدة و اصول معتبرة خودمان را جدا کردید، دیگر در ناحیه کتب غیر معتبرة علم اجمالی نیست.

توضیح ذلک اگر فرض کنیم تمام روایات موجودة کتب معتبرة 10000 روایت باشد، فرض می کنیم تمام کتاب های موجوده 10 هزار تا است و می دانستیم که از این 10 هزار روایت، هزار روایت صادر شده است. حال اگر بیاییم به صورت قرعه ایی نه با ملاک و ضابطه از این 10 هزار روایت از هر جایی چند روایت انتخاب کنیم تا بشود هزار روایت. حال آیا دیگر می توانید بگویید در 9000 روایت دیگر هم علم اجمالی دارید؟ نه دیگر آن از طرف علم اجمالی خارج شد، چون احتمال دارد ان 1000 روایت معبتر همین باشد.

اما بنا شد با توجه به اشکال شیخ فقط کتب معتبرة معیار نباشد، کتب غیر معتبره هم باشد حال بیایید 9 هزار روایت شیعه را ضمیمه کنید به تمام صحاح اهل سنت و دیگر کتب غیر معتبره و دیگر امارات غیر معبتره آیا این ضمیمه کردن چیزی درست می کند یا نه؟ یعنی حکم الزامی برای شما ایجاد می­کند یا نه؟

تمام حرف شیخ انصاری و تمام حرف جناب نائینی این است که بله احکام الزامیه درایم و تمام حرف آخوند و آقای خویی این است که نه دیگر در این مجموعه جدید حکم الزامی نداریم.

فرض کنید شما از بین 10 ظرف، دو ظرف را یقین 100 درصد پیدا کردید نجس است ان هشت تای دیگر شک بدوی است و مجرای اصالة البرائت. همچنان که اگر در این دو ظرف یقین پیدا کردی بقیه پاک می شود ، حال هم اگر آمدی دو ظرف را قرعه ایی کنار گذاشتی دیگر در آن 8 ظرف علم اجمالی به نجاست نداری. چون شاید ان دو نجس همین دو تای باشد که جدا کردی.

خب در بحث ما شما آمدید چکار کردید؟ هزار تا از 10 هزار تا را جدا کردید، آقای خویی می گوید این جا دیگر علم اجمالی ندارید و لو به ضمیمه کتاب های غیر معتبر. خب آقای خویی و آقای آخوند شما گفتید شرط انحلال این است که تعداد یکی باشد، آقای خویی می گوید بدان هر جا انحلال رخ داد بدان شرطش که مساوی بودن بوده است محقق شده است و خود این انحلال شاهد این است که عدد معلوم به علم اجمالی کبیر و صغیر یکی بوده است.

فظهر منا ذکرنا که همه قبول دارند یک علم اجمالی کبیر و یک علم اجمالی صغیر است.

و النزاع انما یکون فیما اذا انضم ما بقی من الروایات الی سائر الروایات و الامارت فذهب جماعة الی ان هذا الانضمام موجب لعلم اجمالی آخر و ذهب جماعة آخرون الی انه لا یوجب علما اجمالیا

اگر بخواهیم تمام نزاع را با بیان خودم عرض کنم این سات که ما با مجموعه روایاتمان در عالم اسلام و مجموعه امارات و لو غیر معتبر و ولو غیر شیعه، این یک طرف، و طرف دیگر هم کتاب های معتبر.

ما الان دو چیز داریم یکی تمام کتاب ها و روایات و طرف دیگر تنها کتب و روایات معتبره

اولین کاری که انجام می دهیم می آییم سراغ اصول معتبره و می گوییم بالاخره از این 10000 تا 1000 روایتش از امام صادر شده است، من هزار روایت را همین طوری کنار گذشته­ام ماند 9000 روایت در کتابهای معتبره. اگر اینجا کار را تمام کنم چیز دیگری نیست.

حال کار دوم من شروع می­شود می گویم بالاخره این مجموعه که نامش را گذاشته غیر معتبر، مجموعه غیر معتبر است نه جمیع بالاخره بین این ها هم صادر شده است. پس یک علم اجمالی داریم در ناحیه کتب غیر معتبر. حال اگر آمدم برای تقویت علم اجمالی ان 9 هزار روایت را هم بهش اضافه کردم ، حال آیا با یک علم اجمالی جدید روبرو هستم یا نه؟ آیا الان با یک علم اجمالی جدید روبرو هستم یا روبرو نیستم.

من اینجا یک حرفی دارم که فعلا عرض نمی­کنم ابتدا حرف اعاظم قوم بیان شود و بعد حرف ما؛

آقای سیستانی مساله را می­برد روی حساب احتمالات و تجزیه و تحلیل حساب احتمالات؛ مثال یک کیسه دارید در این کیسه از عدد 1 تا 10 نوشته ایم و مخلوط هم شده است. من هم می گویم اگر عدد 1 را بیرون آوردی جایزه می دهم، چند درصد احتمال عدد 1 هست؟ 10%

حال اگر بلا فاصله بعد از عدد 1 عدد 2 را بیرون آوردی من یک جایزه دیگر می دهم، الان احتمال می شود یک صدم،

حال می گوید اگر بار سوم 3 را آوردی جایزه مفصل تری داری می شوی یک هزارم

بار چهارم ­می­شود یک ده هزارم

بار پنجم می شود یک هزارم و بار پنجم میشود یک میلیونیوم

جایی که در ملیون یک احتمال بدهی عرف به آن اعتنا نمی کند. این در ملیون یک احتمال دارد، یعنی یک ملیون باید بیاوری تا یکیش درست شود. این را عرف به ان توجه نمی کند یعنی هر جا شما علم داشتید و احتمال خطا شما یک در یک میلیون بود عرفا به ان توجه نمی شود. این یک مثال

مثال دوم، یک نفر آمد گفت زید از سفر آمده است، یک دهم احتمال میدادید خبر اشتباه باشد، این مال خبر اول،

نفر دوم آمد گفت عمرو از سفر آمده است. سومی آمد گفت خالد از سفر آمده است تا نفر ششم،

حال شما 6 خبر دارید. این که همه این خبر ها دروغ باشد. یک در یک ملیون می شود، این که بخواهید بگویید همه این اخبار دروغ است نسبتش می شود یک به یک میلیون

حال در بحث خودمان اگر در کتب معتبرة دارید حساب رسی می کنید هر شش روایت ر ا جدا کنید تا عدد یک در یک میلیون درست شود، اگر کتب غیر معتبره را در نظر می­گیرید دیگر بگویید دوازده روایت، هر دوازده روایت این خصوصیت را پیدا کند .

پس نمی توانیم از این علم عادی اطمینانی عرفی بگذریم.

و علیه فالقول بان لنا علما اجمالیا واحدا فی مجموع الکتب الاربعه مثلا غلط اذ لیس لنا علم بالف خبر موافق للواقع صادر عن المعصوم اذ فی کل ستة اخبار یحصل لنا القطع بان احدها مطابق للواقع فان کانت الاخبار ستة آلاف پس الف آن مطابق واقع است.

فالمعلوم بالاجمال لیس علما واحداً و انما علوم متعددة ازید من ان تعدی و تحصی اذ هذه الاخبار غالبة لترکبیات المتعدده فتسعه التفرض توجب علما اجمالیا غیر العلم الاجمالی الاول بل لنا علوم متععدده و این که می گویند اگر هزار تا را جدا کردیم دیگر در باقی حکم الزامی نیست و علم اجمالی منحل شد نه این هم غلط است چون ما برای این هزار تای جدا شده هیچ خصوصیتی قائل نیست.

و علی ما ذکرنا و فرضنا برای فردا

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین.